



بانک یک دینار پول نمانده بود. همه ورشکسته حتی بانک ملی ورشکسته که وقتی وزیر دارایی شدم پرسیدند آقا چه کنیم؟ آیا ورشکستگی بانکها را اعلام کنیم. گفتم نه. تجدید سازمان می‌دهم بعد به مردم می‌گوییم که این بانک‌ها را تجدید سازمان داده ایم. به ما اعتماد کنید و پولهایتان را به این نظام جدید بانکی بسپارید و امیدواریم که اقتصاد ایران راه بیفتد.

خوب آنوقت هنوز این استبداد و این دزدی و این فساد نبود. بهار انقلاب بود. دیگر مردم هم اعتماد کردند و آن تجدید سازمان بانکی موفق شد والا بانکی نمانده بود. اینها از بین برده بودند. قرضه خارجی هم که ۷ میلیارد گذاشته بود و رفته بود. آن مقدار پول هم که بود گذاشته بودند به حساب آمریکاییها که تنخواه گردان خرید کنند که آنها را هم فعلا آمریکاییها خوردند تا کی پس بدهند. این وضع مالی و اقتصادی آنهم وضع ارتش. آنهم که ۵۰ هزار مستشار آمریکایی در ایران بخور و ببر آنها آنهم امتیازاتی که آنها به خارجی‌ها در وجه به وجب کشور دادند که متاسفانه الان هم دارند همان کار را انجام می‌دهند.

ادامه دارد

می‌فرمودید و نه به اعتبار شخص خود. والا اگر به اعتبار شخص خود بود همانطور که بعد معلوم شد دیگر داخل خودت هم تحویل نمی‌گرفت چه برسد به خارج.

بله واقعیت‌ها این هاست. متاسفانه در خارج لاف در غربت است دیگر. هرچه دروغ است می‌تواند می‌گوید. چون ما داشتیم ایران را به سرعت رشد می‌دادیم و ایرانی‌ها تحمل رشد سریع را نداشتند انقلاب کردند. خوب آدمی که این حرف را می‌زند باید سلطه گر باشد. سلطه گر غربی که از او قابل فهم است چون می‌خواهد به مردم خودش دروغ بگوید. نمی‌خواهد بگوید که داشت با سلطه خود کشورهای ما را به نابودی می‌برد و آن ملت برخاستند برای اینکه می‌خواستند زندگی کنند. اینها که نمی‌خواهد بگوید. می‌گوید ایرانی‌ها مردمی بودند که قابل رشد نبودند. این خانواده پهلوی هم خیلی ایران را رشد می‌داده است این است که ایرانی‌ها تحمل نکردند و انقلاب کردند و آن خانواده را بیرون کردند. آقا من خودم به این دادگاه پاناما اسناد ۳۱ میلیارد دلار دزدی فرستادم. این بخور و ببر آقایان بود. وقتی آقایان رفتند رفتم ایران و الله بالله در یک

می‌گفتند محال است. می‌گفتند هلی کوپتر در زمین صاف عمل نمی‌کند کرد. اینها را انسان کرد نه اسلحه ای که آقا خریده بود. سربازهای ایرانی رفتند به اصطلاح خودشان را کاشتند در زمین. ارتش ملی شد برای اینکه مدافع ملت شد. مدافع کشور شد. برای اینکه آن سازماندهی ارتش را که شاهنشاهی بود یعنی حتی اختیار مرخصی رفتن یک سرباز هم دردست آقای اعلیحضرت بود من بدل کردم به یک ارتش دمکرات به این ترتیب که اختیارات فرماندهی کل قوا را توزیع کردم از بالا تا پایین به هر کسی متناسب با مسئولیتش اختیار دادم و صاحب اختیار فرماندهی کل قوا شد در مسئولیت خود. پس ابتکارها آزاد شد و بکار افتاد. به یک درجه دار که ۱۳ تانک دشمن را شکار کرده بود پی در پی درجه دادم تا رسید به سروانی. انسان جانم انسان کرد. اینرا هم بنویسیم به پای آن آقا این دیگر خیلی ظلم است. به نیروهای مسلح ما. به ارتش ما که وطن ما را در بدترین مواقع از سقوط حفظ کرد. آن آقای صدام خواب دیده بود که سه روزه خوزستان را بگیرد.

داستان دیگری برای شما بگویم. آقای یاسر عرفات را فرستادم پیش آقای صدام حسین. گفتم به این آقا بگو که جنگ حماقت است. شما دنیا را به تماشای حماقت میان دو همسایه نیاور. شما شروع می‌کنی اما شما نیستی که جنگ را به پایان می‌بری. عرفات برگشت و صاف نشست و گفت مثل طاووس مثل طاووس. صدام گفت که دو سه روز الی یک هفته کار ایران تمام است. ایشان این خواب را دیده بود. با شرکت آقای بختیار که در حمله به ایران این قسمت را ظاهرا به آقایان نگفته بود. بعد در تحقیقی که موسسه تحقیقاتی فرانسه منتشر کرده بود که من وقتی به خارج آمدم خواندم صدام قصدش این بود که ایران را به ۵ جمهوری تقسیم کند که به عنوان قدرت مزاحم در منطقه نماند و عراق بشود قدرت اصلی منطقه. این برنامه او بود هزار خبرنگار هم آورده بود در اهواز که وقتی می‌آید آنجا با هزار خبرنگار بیاید و جشن پیروزی بگیرد. خوب این ملت با دست خالی خدا می‌داند با دست خالی فقط با ابتکاراتی که آزاد شده بود خواب ایشان را آشفته کرد و کامشان را ناکام کرد بطوریکه در بهار ۱۳۶۰ آقایان چرا کودتا کردند برای اینکه عراق حاضر شد به پیشنهاد کشورهای عدم متعهد ۶ ماه بعد از جنگ تمکین کند. غرامت هم حاضر شدند بدهند. این از برکت انقلاب بود جانم. از برکت این آزاد شدن انسان ایرانی بود والا اگر قرار بود همان طرز فکر باشد و آن سازماندهی ارتش باشد و آن اسلحه باشد که دوام نمی‌آورد. ایران رفته بود. ایشان خیلی فرمایش‌ها می‌فرمایند. بگو آقا جان آن وقت شما دست نشانده و ژاندارم ایالات متحده تشریف داشتید در آن منطقه. به آن اعتبار عمل

و دیگر از ما کاری ساخته نیست. ولی می‌توانید بگویید که نه ما می‌توانیم آن چیزهایی را که نداریم تدارک کنیم. یکی از آنها این قطعات یدکی است که الان آمریکاییها نمی‌دهند چون در محاصره هستیم. آنهایی را که داریم باید بتوانند قابل دسترسی باشند که نیروهای شما بتوانند وسایلی را که داریم آماده کنند. سه اکیپ تشکیل دادیم. آن ۲۵۰ میلیون دلار را هم نپرداختیم و ظرف ۶ ماه آنها را بردند روی کامپیوتر. این از هواپیمایش.

اشتباه آقای صدام این بود که نمی‌توانست تصور کند و اطلاعاتی که به او داده بودند غلط بود. نمی‌توانست تصور کند که ما آمادگی نیروی هوایی را وقتی ایشان حمله کردند رسانده بودیم به ۹۰ درصد. نمی‌توانست تصور کند که ما تمام هلی کوپترها را آماده کرده ایم. حتی تانکها را که در خوزستان خوابیده بودند موسسه ای درست کرده بودند که هر ۱۵ روز یک موتور تانک تعمیر می‌کرد. ما رساندیم به روی دو موتور تانک. بعد در خوزستان من برای نیروی هوایی صحبت کردم. وقتی رسیدم آنجا و گفتمند دزفول در حال سقوط است، فرمانده نیروی هوایی گفت که شما نمی‌بایستی می‌نشستید برای اینکه اینجا در حال سقوط است و جان شما در خطر است و ما هم داریم تخلیه می‌کنیم. خلبان‌ها را جمع کردیم در



پناهگاه و گفتم آیا شما شاهنامه خوانده اید؟ می‌دانید که ایران در یک چنین موقعیتی بود؟ وقتی که قشون اشکبوس ایرانی‌ها را در هم شکسته بود. شب رستم آمد و این قشون پراکنده رستم را دید و فریاد برداشت که رستم آمد رستم آمد. قشون به گرد او جمع شد و دشمن را شکست داد. شنیده اید این داستان را گفتند بله. گفتم حالا آن رستم‌های ما شما هستید شما خلبان‌ها. این که چگونه مانع از سقوط خوزستان می‌شود مسئله ایست که شما باید حل کنید. من می‌دانم که می‌توانید.

به مدت دو هفته نیروی هوایی ما بجای نیروی زمینی با دشمن جنگید. امری که



چیزهایی. بعد می آمدی می دیدی همه خوابیده شکسته افتاده و هیچ چیزی نیست. از انگلستان تانک چیتن خریدند ۷۰ تنی با موتور ۴۰ تنی. نمی کشید اصلا نمی رفت توی جبهه. حالا بعد هم رفتند برای این تانک ۷۰ تنی از روسیه تانک بر خریدند ۳۰ تنی. حالا تانکی که خودش راه نمی رود و موتورش آنرا نمی کشد باید سوار کنی بر آن تانک بر ۲۰ تنی که آنرا بکشد. قدم به قدم می خوابیدند. ما یک ماه از دزفول جاده صاف نه اینکه از تهران با پیچ و خم و پستی و بلندی نه از دزفول می خواستیم برسانیم به جبهه

**صلح داشتیم. آقای رضا پهلوی هم در مصاحبه هایشان به این شکل می گویند که به محض اینکه نظام ما فرو پاشید و دچار این گونه مسائل شد تروریسم هم در دنیا راه افتاد و صلح و ثبات بین المللی را از بین برد. بنابراین منشاء تروریستها آنجاست!**

- پس پدر ایشان ثبات دنیا را هم حافظ بود اولاً آن ارتشی که می فرمایید چون اگر جنگ پیش نیامده بود این ملت در تجربه نمی فهمید که این خانواده چه خیانتی به کشورش کرده و حتی

## خاندان پهلوی یا تحقیر یک ملت؟

کرخه کور که آنجا می خواستیم حمله کنیم یک ماه طول کشید. این نیروی زمینی شان بود. یک چیزی که واقعا بشود با آن در جبهه عمل کرد نبود.

حالا بیایم نیروی هوایی. بله در نیروی هوایی هواپیماهای اف ۴، اف ۵ و اف ۱۴ بود. هلی کوپترهای جنگی هم تا بخواهی فراوان بود اما قطعات یدکی نبود. آقایان آمریکاییها برای اینکه اختیار دست خودشان باشد به اندازه ای داده بودند که یکبار دوبار بتوانند عوض کنند. برای بار سوم دیگر باید بروند از آمریکا تقاضا کنند. تازه آنها را هم که آورده بودند در یک انباری ریخته بودند. قرار بود که آقایان آنها را کامپیوتری کنند. ۲۵۰ میلیون دلار هم قرار داد کرده بودند که انقلاب شد و انجام نداده و رفته بودند. خب ما حالا هلی کوپتر داریم، زمین گیر هواپیما داریم، زمین گیر، وقتی من فرمانده کل قوا شدم به فرماندهان سه نیرو دستور دادم که وضعیت سنجی کنند و به رئیس جمهور بگویند که وضعیت سه نیرو چگونه است. نیروی دریایی ۲۰ درصد آمادگی نیروی زمینی صفر درصد آمادگی و نیروی هوایی ۱۰ درصد آمادگی، خوب حالا اگر عراق در چنین وضعی حمله می کرد ایران چه داشت هیچی.

**خوب این به دلیل التهاب انقلاب و**

**برخوردهایی بود که ...**

- نه نه نخیر. برخورد بوده نه نه حالا می گویم. اتفاقاً چون انقلاب در مغز ایرانی انقلاب انجام داده بود ما توانستیم این کبودها را تدارک کنیم با انسان. شما یک دقیقه صبر کن. من رفتم به نیروی هوایی و برای آنها صحبت کردم. گفتم که خیلی راحت شما می توانید بگویند که این وضعیت است. این سازمان را هم که آقایان بعد از انقلاب آمدند و هر روز گرفتند و بردند و اعدام کردند. قضیه نوژه هم که بود و هیچ کاری نمی شود کرد. و ایان هم از بین برود

**دو هفته گذشته گفتگوی بین راشدان با دکتر بنی صدر نخستین رئیس جمهور اسلامی منتشر شد که نظرات گوناگونی را در سطح جهان برانگیخت.**

**جدا از آنچه که ایشان در مصاحبات خود گفته اند نوع برخورد وی و شکل بیان اظهارات ایشان که توهین آلود و مغرضانه به نظر می رسد حیرت بسیاری را برانگیخته است. تهران با چاپ بخش هایی از این مصاحبه، در شماره های آینده نظرات رسیده در این زمینه را منتشر خواهد کرد. شما هم میتوانید نظریات خود را برای چاپ به دفتر مجله ارسال دارید.**



بودند. نتیجه آنکه جامعه جوان می دید که آینده ای تدارک می شود که خالی از همه چیز است پس به حرکت درآمد. همه قشرها به حرکت درآمدند.

**خوب ببینید آقای دکتر اینطور عنوان می شود که در عوض مطالبی که بوده حالا شاید این افراد آشنایی چندانی با علوم روزگار خودشان نداشتند. در عوض حالا یکی یکی می توانم ببرسم. به عنوان مثال ارتشی درست کردند که نه تنها می توانست امنیت کشور خودش را حفظ کند بلکه در منطقه ای به شعاع چند هزار کیلومتر اطراف خودش هم ثبات درست می کرده و تا زمانی که این سیستم پابرجا بود در آن یک حالت**

شما از بالا نگاه می کردی تا چشم کار می کرد جیب و کامیون و ... بود. می گفتمی عجب

- اشتباه آقای صدام این بود که نمی توانست تصور کند و اطلاعاتی که به او داده بودند غلط بود.

- آقای یاسر عرفات را فرستادم پیش آقای صدام حسین. گفتم به این آقا بگو که جنگ حماقت است. شما دنیا را به تماشای حماقت میان دو همسایه نیاور. شما شروع می کنی اما شما نیستی که جنگ را به پایان می ببری.

- این سولیوان سفیر آمریکا است که کتاب نوشته و می گوید که با متصدیان اقتصاد (شاه) صحبت کردم و گفتم که این اقتصاد ایران را بر باد باد می دهد. اصلاً سلطنت و همه نظام را بر باد می دهد. ببینید آنها چقدر شور کرده بودند که این آمریکایی به آنها می گوید آقا دیگر اینقدرش را نکنید. شما دیگر خیلی پیش رفتید و دارید خراب می کنید. سولیوان می گوید آنها در حضور جمع حاضر نشدند حرفی بزنند و گفتند نخیر خیلی خیلی خوب است ولی یکی یکی هنگام خداحافظی در گوش من می گفتند همه آنجا شما می گویند درست است. ما که جرئت نداریم ولی شما به اعلیحضرت بگویند بلکه اجازه بدهد ما یک اقتصاد حساب داری درست کنیم.

آقای فریدون مهدوی وزیر بازرگانی این رژیم بود. وقتی که انقلاب شده بود و به خارج آمده بود یکی از نزدیکان او از فامیل او که نمی خواهم حالا اسمش را بگویم به من گفت که فریدون گفت خوب شد که انقلاب شد لااقل این نفت برای این ملت ماند. مطابق برنامه گذاری که آنها کرده بودند منابع شناخته شده نفت نه منابعی را که در تیرت شناختند می باید در سال ۱۹۹۵ تمام می شد که شاه گفته بود نفت تمام می شود. می گویند مس داریم خوب آن هم تمام می شود. به شورای اقتصادش گفته بود که باید یک فکری کرد که بعد از نفت چه بکنیم. این وضعیتی بود که آقایان برای کشور درست کرده